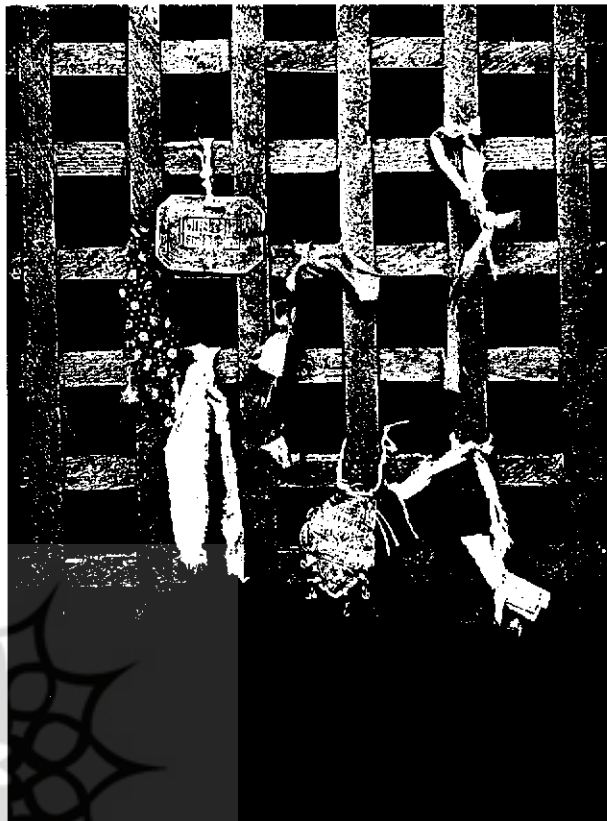


مقدمه‌ای بر خرافه‌زدایی از نهضت عاشورا

چکیده بحث‌های کارشناسی گروه علمی و مشورتی



مقدمه

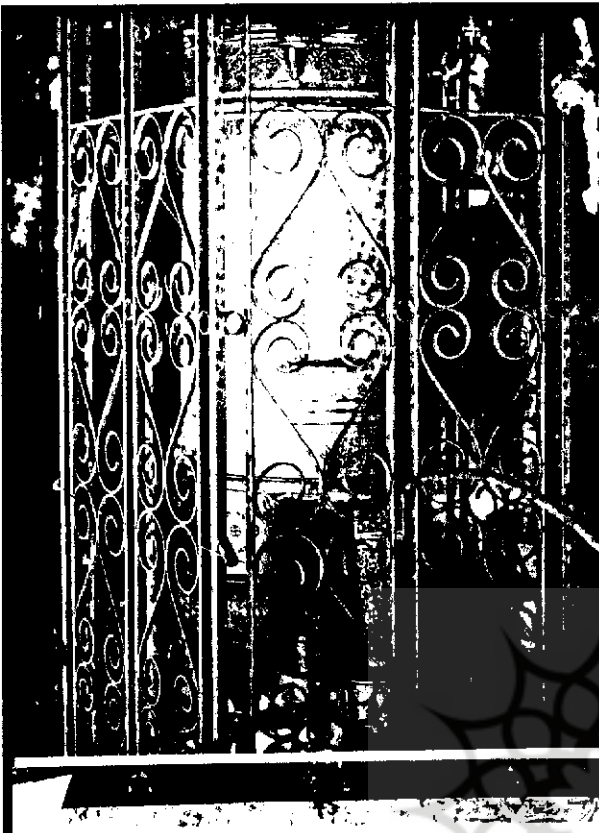
و تمامی پیرایه‌هایی که ممکن است تصویر درخشان عاشورا را حتی ذره‌ای کمرنگ نماید زدوده گردد، تا همواره حرکت الهی و روشنگر آن حضرت در متن تاریخ، سرمشق نسلهای آتی باشد. بر این اساس و به منظور بررسی وضع موجود و شناخت راهبردهای علمی جهت خرافه‌زدایی از نهضت مقدس امام حسین(ع)، گروه کارشناسی با شرکت آقایان؛ حجة الاسلام والمسلمین علی رهبر، دکتر اصغر فروغی، دکتر اصغر منتظرالقائم، حجة الاسلام والمسلمین حرّ، علی کاظمی و نژاد انصاری در اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اصفهان تشکیل شد و پس از ۵ نشست، چکیده مذاکرات و مباحث خود را در مقاله حاضر ارائه دادند. بدیهی است نسبت به امر مهمی که در پیش روست این مختصر نیازمند تصحیح و راهنمایی و تکمیل صاحب نظران دیگر است و امید که این تلاش استمرار یابد.

حرکت الهی حضرت اباعبدالله(ع) و یاران باوفای او همواره بستر تحولات عمیق فرهنگی، روحی، معنوی و اجتماعی در طول تاریخ بوده است. تشعشع پرفروغ و تابناک این نهضت، چه بسیار انسانهای سرگردان و گمراه را از ورطه هلاکت به سرزمین نور و هدایت رهنمون کرده است. انقلاب اسلامی ایران نیز بدون الگوپذیری از قیام خونین حضرت اباعبدالله(ع) بی تردید در پیچ و خم مشکلات بسیاری که استبداد و استکبار مسبب آن بود، به طور قطع متوقف می شد، اما اثرپذیری عمیق فرهنگی از عاشورا همواره با شتابی قوی، مردم ایران را در صحنه‌های مختلف نبرد با دشمن یاری بخشید و بنا به گفته ارزشمند حضرت امام خمینی رحمة الله علیه، تنور جنگ هشت ساله ما همواره با ذکر نام مقدس اباعبدالله(ع) داغ بود. بدیهی است این سرمایه عظیم فرهنگی، می بایست حفظ و تقویت شود

انواع پیرایه‌ها در نهضت کربلا

مخالفتان اسلام همواره مترصد بوده‌اند که در ایجاد کردن و دامن زدن به پیرایه‌ها و وارونه جلوه دادن قرآن و عترت، تمام همت خود را به کار برند. همچنین سعی نموده‌اند امت اسلامی به بیان حضرت علی(ع)، پوستین اسلام را وارونه به تن کنند. این تحریف درباره زندگی ائمه اطهار و بیشتر در مورد قیام خونین کربلا و امام حسین(ع) صورت گرفته است، چرا که به یاد این بزرگ است که هر سال در ماه محرم و صفر مراسم عزاداری در سراسر ایران و مراکز شیعیان جهان برپا می‌شود و تحریف در این قیام و وارونه جلوه دادن آن، یعنی نگه‌داشتن یک امت در خواب غفلت و مشغول کردن آنها به خرافه‌ها و امور خلاف واقع.

به یک معنی تحریف را می‌توان به دو نوع تقسیم کرد، یکی تحریف لفظی که به معنای کم و زیاد کردن آن چیزی است که در تاریخ کربلا اتفاق افتاده و دیگری تحریف معنوی؛ یعنی اینکه علل و انگیزه‌ها و همچنین هدف و منظور اصلی این حادثه را غیر از آنچه هست معرفی کنیم. وقتی «هدف» تحریف شد، دیگر این حادثه بی‌اثر و خنثی می‌گردد و این آن چیزی است که دشمنان اسلام می‌خواهند. شهید مطهری در این خصوص معتقد است که بزرگترین تحریف این بود که این حادثه را یک حادثه استثنایی معرفی کنند و اینکه امام حسین(ع) فدای گناهان امت شد. او کشته شد تا گناهان امت بخشوده شود که این در واقع یک تفکر مسیحی است که در بین مردم ما مرسوم شده است. این فکر، هدف امام حسین(ع) را به کلی مسخ کرده و او را به صورت سنگر گناهکاران در می‌آورد. از دید تاریخی نیز می‌توان پیرایه‌ها را تقسیم‌بندی نمود؛ یکی تحریفی که در ثبت وقایع به وجود می‌آید، یعنی راویان واقعه در بیان اخبار تحریف کرده‌اند. شایان ذکر است وقایع تاریخی نقل به معنی می‌شود؛ یعنی همه آنچه اتفاق افتاده عیناً ثبت نمی‌شود. این بدین علت است که مدتی از حادثه گذشته و بعد وقایع ثبت گردیده است، بنابراین منابع مختلف، این حادثه را دقیقاً به یک شیوه مشابه نقل نمی‌کنند؛ برای مثال کیفیت شهادت علی‌اصغر که در محافل و مجالس روضه به شکلهای مختلف مطرح می‌شود در منابع مختلف متفاوت نقل شده است. در این صورت برخی منابع قابل اعتماد نیستند، مانند



کتاب «مقتل» ابی‌میخنف که اخیراً چاپ شده و پراز تحریف است و این کتاب با کتاب «مقتل» ابی‌میخنف اصلی که در تاریخ طبری است بسیار متفاوت است. نوع دیگر تحریف آن چیزی است که مداح یا واعظ، خواسته یا ناخواسته و گاهی برای گرم کردن مجلس بیان می‌کند که با اصل واقعه، فاصله دارد. از دیدگاه اجتماعی نیز می‌توان تحریفها را به سه دسته تقسیم نمود؛ یک دسته آنها که آسیب جدی و فوری دارند که اگر در جامعه رواج یابند ممکن است حتی جهان‌بینی مردم را عوض کنند. گاهی حتی امامت را زیر سؤال می‌برند، مثل اینکه گفته شود امام حسین(ع) برای شفاعت گناهکاران شهید شد. دسته دوم پیرایه‌هایی هستند که آسیب جدی به پیکره جامعه اسلامی وارد نمی‌کنند، اما دروغ و خلاف واقع هستند. مثل اینکه در برخی کتب نوشته شده در روز عاشورا، یک طفل شیرخوار شهید شده و برخی کتب نوشته‌اند دو تا شهید شده‌اند. البته برای زدودن هر دو دسته تحریف فوق، باید تلاش نمود، اگرچه دسته دوم در اولویت بعدی قرار دارد. دسته سوم پیرایه‌هایی است که نه مضر است و نه حتی

از دیدگاه تاریخی مهمترین نکته‌ای که یک حادثه با آن سنجیده می‌شود، طبیعی بودن آن حادثه است. قیام امام حسین(ع) یک قیام طبیعی بود و برخی تحریفات به این مسأله بر می‌گردد که می‌خواهند نهضت امام حسین(ع) را از حالت و روند طبیعی آن خارج کنند.

در ادله سنن و عدم تنقیح منابع می‌باشد. وجود برخی جعلیات در برخی منابع، مثل «روضه‌الشهدا»ی واعظ کاشفی زمینه رشد سریع پیرایه را فراهم می‌کند. بنابراین لزوم بازنگری منابع، امری الزامی به نظر می‌رسد. در میان ریشه‌های تحریف به دو مسأله تخیل پروری و شاخ و برگ دادن به حوادث در طبیعت انسان اشاره شد. نکته شایان توجه این است که تخیل یک اصل جدایی‌ناپذیر در شعر است. اگر تخیل در نظم وارد شد تبدیل به شعر می‌شود و اگر از آن جدا شد، فقط نظم داریم نه شعر، پس هنرمند و شاعر مجاز است در ترسیم حوادث از تخیل استفاده کند و موضوع را شاخ و برگ دهد و در عین حال واقعیت را هم بیان کند و همه می‌دانند شاعر ادعا نمی‌کند هر آنچه را که می‌گوید اتفاق افتاده است:

یک شبی رفتم به نزدیک فرات
قطره‌ای خوردم از آن آب حیات

مرز بین حقیقت و پیرایه از دیدگاه تاریخ

از دیدگاه تاریخی مهمترین نکته‌ای که یک حادثه با آن سنجیده می‌شود، طبیعی بودن آن حادثه است. قیام امام حسین(ع) یک قیام طبیعی بود و برخی تحریفات به این مسأله بر می‌گردد که می‌خواهند نهضت امام حسین(ع) را از حالت و روند طبیعی آن خارج کنند. منظور از طبیعی بودن حادثه این است که عقل و فطرت آدمی وقوع یک حادثه را بپذیرد. حضرت اباعبدالله علی‌رغم روابطی که با عالم غیب داشته طبیعی عمل می‌کرده است و جنگ آن حضرت با سپاه یزید نیز یک جنگ تمام‌عیار بوده و هرگز از روند طبیعی آن خارج نشده است.

مرز بین حقیقت و پیرایه از دیدگاه شرع

همان‌طور که در فقه شیعه برای بررسی قوت داشتن یا نداشتن، صحت داشتن یا نداشتن و یا دلالت داشتن یا نداشتن یک حدیث، که از معصوم نقل شده، ملاک را قرآن کریم می‌دانیم، در تاریخ نیز می‌توانیم با همین پشتوانه وارد

دروغ، کسانی که می‌خواهند با یک بیان هنری، حادثه‌ای را ترسیم کنند، فقط متن حادثه را نمی‌گویند، سخن را که از کسی نقل می‌کنند، احساسات او را هم حدس می‌زنند و قاعدتاً حالاتی در چهره، کلام و حرکات خود به وجود می‌آورند که می‌تواند احساسات، حالات و روحیات گوینده اصلی را به شنونده القا کند. بیان این‌گونه به‌ظاهر پیرایه اشکالی ندارد.

علت یابی پیرایه‌ها

در مورد اینکه این پیرایه‌ها چرا و از کجا به وجود آمده، نظریات مختلفی بیان شده است. یک دلیل ساده آن می‌تواند این معنی باشد که در طبیعت و سرشت انسان این حالت وجود دارد که به وقایع شاخ و برگ می‌دهد. وجود تحریفات در بطن تاریخ اجتناب‌ناپذیر است. این علت هرچند بویی از واقعیت دارد، اما بسیار کلی و عمومی است و به این بحث کمک زیادی نمی‌تواند بکند. دلیل دیگری که قابل طرح است و تا حدی به دلیل اول هم نزدیک می‌باشد، ریشه از طبیعت انسان می‌گیرد که افسانه‌سازی (اسطوره‌سازی) با روح آدمی عجین است. انسان هم واقع‌گراست و هم تخیل‌پرور، که این تخیل‌پروری را در همه صحنه‌ها، خواسته و گاهی ناخواسته به میدان می‌آورد. دلیل دیگر، اهمیت گریه بر امام حسین(ع) است که در روایات زیادی بر آن تصریح شده است. گریه هرچند آثار عمیق معنوی و ارتباط روحی با ائمه اطهار(س) را با خود دارد، در عین حال سبب شده است که عده‌ای راه افراط را در پیش گرفته و به تدریج در طول تاریخ، سبب بروز پیرایه‌هایی شوند. مثلاً در دوران آل‌بویه، شیعیان دسته‌های عزاداری راه‌انداخته‌اند ولی هیچ سند تاریخی نیامده که مردم قمه هم می‌زدند. عزاداری به شکل جدید از عهد صفویه نشأت گرفته است. از آنجایی که صفویه علاوه بر شیعه بودن، صوفی هم بوده‌اند به نظر می‌رسد می‌توان این نتیجه را گرفت که در واقع قمه زدن، ریشه در تصوف دارد. علت دیگر، تسامح

عزاداری به شکل جدید از عهد صفویه نشأت گرفته است. از آنجایی که صفویه علاوه بر شیعه بودن، صوفی هم بوده‌اند به نظر می‌رسد می‌توان این نتیجه را گرفت که در واقع قمه زدن، ریشه در تصوف دارد.

گریه بر مصایب اهل بیت عصمت

اخیراً از حضرت آیت‌الله‌العظمی فاضل در مورد مجالس روضه سؤال شد، ایشان سفارش کردند که شما تعزیه و شبیه‌خوانی نکنید و روضه بخوانید. سؤال شد روضه از نظر شما چیست؟ ایشان فرمودند روضه یعنی مجلسی که در آن احکام، تفسیر، احادیث ائمه طاهربین، فضایل و مصایب آنها بیان شود. از این مطلب می‌فهمیم که گریه بر امام حسین(ع) هرچند بر آن سفارش بسیار می‌شود، اما باید بخشی از مجالس روضه باشد، نه همه آن. مجلسی که برای امام حسین(ع) و مصایب آن بزرگوار برگزار می‌گردد، بدین معنی نیست که هدف ما در این جلسه این باشد که چون مصایبی بر آن بزرگوار وارد شده، ما برای آنها گریه کنیم. در واقع آنها نیازی به گریه ما ندارند، پیامبر اسلام - در شأن ابا عبدالله(ع) می‌فرمایند - جایگاهی در بهشت برای توست که جز با شهادت به آن نمی‌رسی. پس گریه بر امام حسین(ع) باید برای این باشد که چرا بشر نتوانست از چنین شخصیتی و چنین خورشید درخشانی بهره ببرد. این گریه جهت‌دار و الهام‌بخش است که اگر مثل چنین شخصیتی در جامعه پیدا شد، ما باید با او چگونه رفتار کنیم. خلاصه کلام اینکه در واقعه عاشورا، حسین(ع) خسارت ندیده بلکه انسانها دچار خسران و زیان گشته‌اند. پس ما مخالف گریه نیستیم، بلکه سعی می‌کنیم گریه‌ها را عرفانی کنیم.

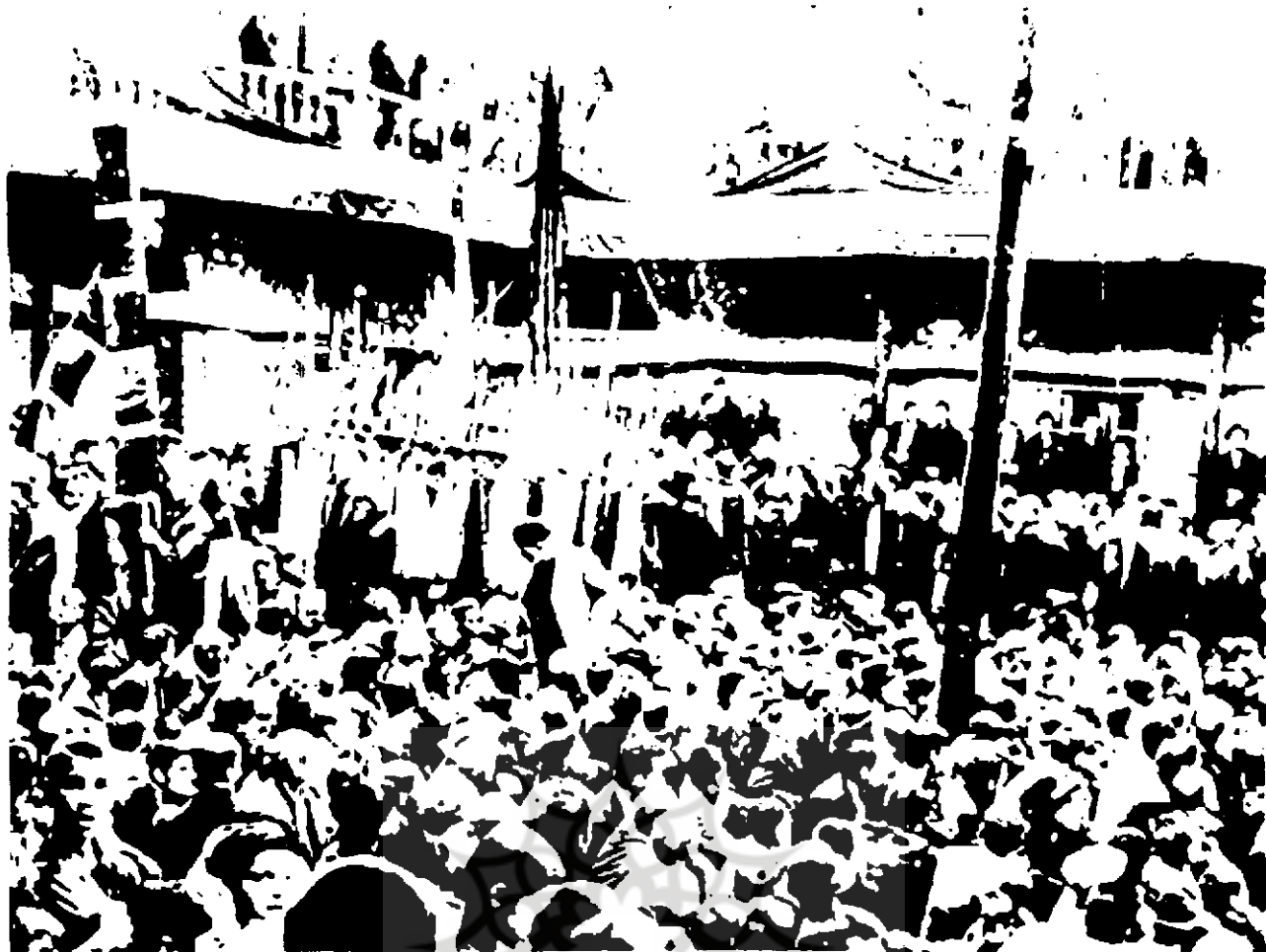
راههای بهینه نمودن مجالس عزای شهدای کربلا

مهمترین کار اصولی در این زمینه، انجام یک کار پژوهشی بر روی منابع و رفع تحریفات از این منابع است. نکته دیگر تغییر دیدگاه است؛ از دیرباز حوادث زندگی ائمه(ع)، صرفاً از جنبه عاطفی نقل می‌شده و ابعاد دیگر شخصیت ائمه نادیده گرفته می‌شده است. شناخت امام معصوم، یک ضرورت است. منابع تاریخ عمومی اسلام برای شناخت ائمه(س) کافی نیست و باید از منابع حدیث شیعه مثل «ارشاد» شیخ مفید سود جست. اگر شخصیت امام(ع) را

بشویم و داده‌های تاریخی که با معیارهای ثابت قرآنی و سنت در تضاد نباشد را بپذیریم. اصل مشترکی که بر زندگی همه ائمه(س) حاکم بوده است این است که آنها با سلطان جائز سازش نداشتند، حال اگر یک روایت تاریخی بر امری خلاف این اصل دلالت کند، باید در صحت آن شک کرد. البته مواردی نیز هست که معیارهای شرعی ظاهراً درباره آنها ساکت است. در چنین مواردی از ذهن مجرد نیز می‌توان کمک گرفت. سؤالی ممکن است مطرح شود و آن اینکه چرا قرآن کریم که مرجع تمیز حق از باطل است، ذکری از نام ائمه و علی بن ابی طالب(ع) به میان نیاورده است. جواب این است که قرآن بهانه‌های تحریف در خود را از مردم گرفته و مسیر کلی راه حق را با زدن تمام نشانه‌ها به سوی پیامبر بیان کرد: «ما اتاکم الرسول فخذوه» پس قرآن وارد مصادیق نمی‌شود و مسیر کلی راه راست را نشان می‌دهد. در برخی متون نقل شده که زینب کبری(س) سر به محمل می‌کوبیده که این خبر با مقام رضایت معصومین(ع) «ما رأیت الا جمیلاً» به هیچ‌وجه سازگاری ندارد و صحت آن باید مورد سؤال قرار گیرد.

زبان حال و زبان قال

بسیاری از مداحان اهل بیت(ع) در ارتباط با بیانات معصومین(ع) از «زبان حال» استفاده می‌کنند و به صورتی مطلب را بیان می‌کنند که شنونده احساس می‌کند واقعاً معصوم(ع) آن جملات را بیان نموده‌اند و این البته خالی از اشکال نیست. ممکن است این سؤال مطرح شود که اگر تکیه بر «زبان قال» باشد، شاید بُعد عاطفی روضه‌خوانی‌ها کم شود و نتواند مردم را به گریه وادارد. در جواب باید گفت؛ اگر مداح اهل بیت با خلوص بیشتری فقط موقوف را بگوید، اثر خود را خواهد گذاشت و مردم را متقلب خواهد نمود. البته باز نیاز به تذکر است که شاعر اهل بیت عصمت و طهارت(س)، در این زمینه میدان عمل بیشتری دارد و می‌تواند در مورد بیانات یا عملکرد معصومین، در موقعیت‌های خاص، از مرز زبان قال فراتر رود.

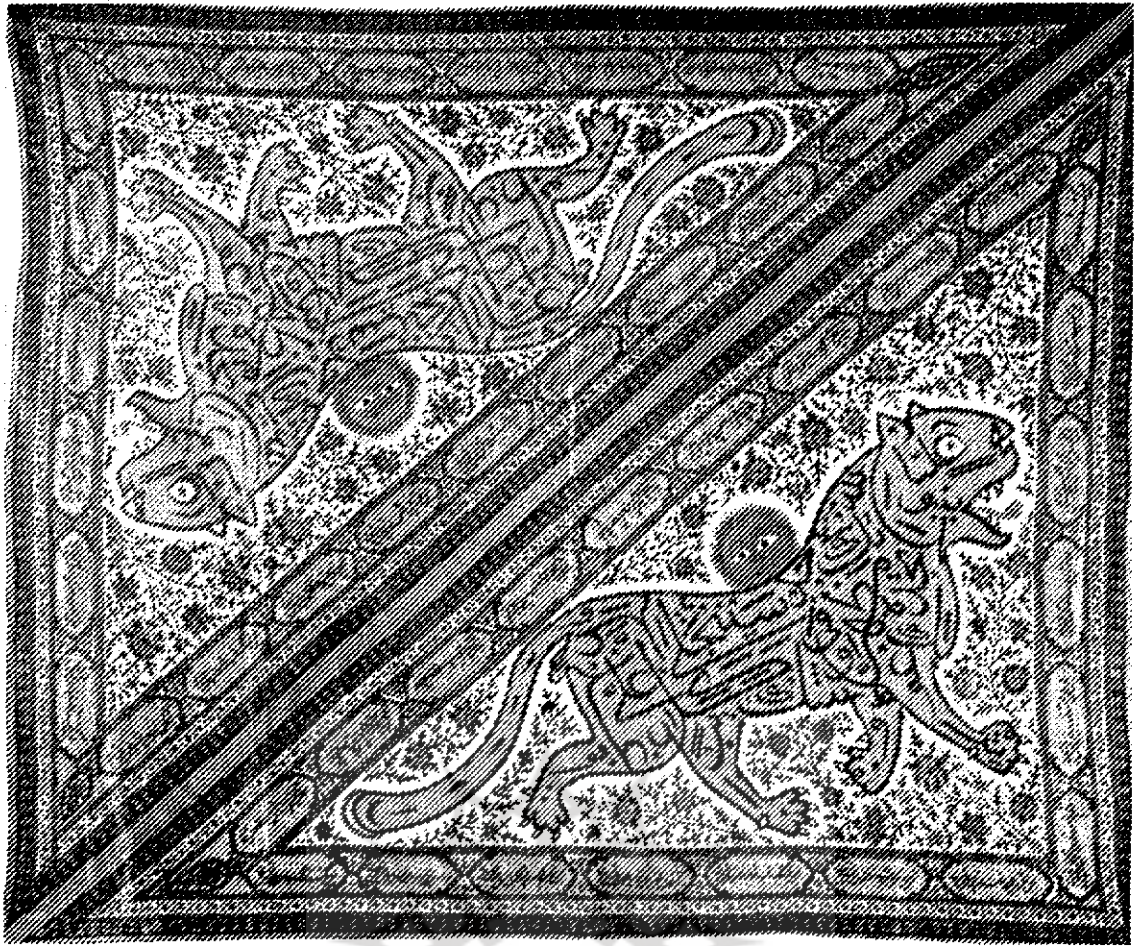


قدم اساسی و مهمی برداریم. دسترسی به منابع معتبر برای این قشر بسیار مشکل است. ما باید با استفاده از منابع موثق این واقعه را به تصویر بکشیم و آن را به صورت قطعه‌های نظم و نثر درآوریم که هر قطعه به اندازه برگزاری یک مصیبت در یک جلسه عزا باشد. یک گروه کارشناسی تاریخ و ادبیات می‌تواند این امر مهم را به عهده بگیرد.

روضه امام حسین (ع)، جلسه آموزش دین

متأسفانه ما مسلمانها بویژه شیعیان، مجاری متنوعی برای آموزش مذهب به توده‌های مردم نداریم. کتابهای معارف اسلامی نیز چندان مؤثر نبوده است. مجالس روضه امام حسین (ع)، بهترین فرصت برای آموزش دین است. قطعاً هدف ما از برگزاری این مجالس این نیست که صرفاً شعرخوانی و مداحی داشته باشیم. جوانان و نوجوانان ما بسیاری سؤالات دینی در ذهن خود دارند و این مجالس باید پاسخگوی آنها باشد. البته ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که جوانان ما علاقه زیادی به مداحی یا صدای خوب و سینه‌زنی دارند و چشم جوانها نیز در این مجالس

بشناسیم می‌توانیم به سادگی در مورد اتفاقاتی که به آنها نسبت داده می‌شود قضاوت کنیم. ابن العبری کشیش مسیحی قرن هفتم هجری در مختصرالدول، امام رضا (ع) را فردی فاضل و دانشمند و متقی معرفی می‌کند که افضل عالمان عصر آن روز بوده، بعد از شهادت آن حضرت، او این‌گونه نقل می‌کند که حضرت به واسطه افراط در خوردن انگور وفات کرده‌اند. در صورتی که اگر دقت کنیم کاملاً مشخص است که یک فرد عالم متقی، هیچ‌گاه افراط در خوردن نمی‌کند. نکته بسیار مهم دیگر، تربیت است. تنقیح منابع به تنهایی کافی نیست و فرد ناقل تاریخ هم باید واجد شرایط باشد. همان‌طور که معلم نیاز به تخصص دارد، روضه‌خوان نیز به تخصص نیاز دارد، حتی اگر لازم شود سازمان تبلیغات از مداحان امتحان به عمل آورد تا اجازه نقل هر مطلبی را نداشته باشند. راه حل اصولی‌ترین است که عده‌ای برای این کار تربیت شوند. البته این امر یک بسیج عمومی را طلب می‌کند. نکته دیگر در مورد مداحان جوان یا علاقه‌مند به مداحی می‌باشد. اینها تشنه منابع و مآخذ برای مداحی خود هستند. ما می‌توانیم در این مورد،



از همه اشک آلودتر است. جوانی که اشک می ریزد باید بهترین استفاده آموزشی را در همان لحظه داشته باشد. در همین لحظه است که باید مداح بگوید این حسین که تو برایش گریه می کنی این ویژگیها را داشته، او نماز و راز و نیاز با خدا را دوست داشته است و...

مساعد باشد جوانان در مسیر درست و صحیح قرار می گیرند. برای تربیت جوانان باید از دبستان شروع کرد. باید یک ارتباط مستقیم بین مساجد و مدارس به وجود آورد. بخشی از آموزشها را نوجوانان در مدرسه می بینند و برخی دیگر را در مسجد. لازمه این کار این است که ارتباط علمی بین معلمان پرورشی و اجتماعات ایجاد شود. البته برای نسل جوان در زمینه فرهنگی تلاشهای زیادی شده است که امیدوارکننده می باشد، اما جوابگوی خیل عظیم جوانان نیست. استعدادهای این نسل رو به تزاید است. نیازهای جدید هم دارد. اگر ما از قبل برای آنان برنامه ریزی تربیتی - فرهنگی نداشته باشیم، هر روز احساس می کنیم که از قافله بیشتر عقب هستیم. شکی نیست که اول می باید جوان را جذب و اصلاح کرد و بعد زمینه شناسایی تفکر را برایش فراهم نمود. این مرغ سرکش اگر رنجیده شد بسیار بعید است که دوباره به این بام برگردد. اگر از این بام برخاست، هر دو بال عقل و دلش را می برد. اگر دل او رنجیده شده، بال عقل را هم می برد و دیگر حاضر نیست اندیشه صحیح را شناسایی نماید.

□

اصلاح مجالس عزاداری در درازمدت

از آنجا که کشور ما در مقایسه با سایر ملل از نظر جمعیتی بسیار جوان است و اکثر افراد جامعه را جوانان تشکیل می دهند و از طرفی بیگانگان تهاجم و شیخون فرهنگی خود را به صورت همه جانبه علیه کشور ما سامان داده اند، ضرورت بازنگری در مجالس روضه کاملاً به چشم می خورد. سلطه جویان جهانی دریاخته اند که بهترین راه برای فروپاشی نظام اسلامی این است که توده های جوان را از فرهنگ اصیل اسلامی دور سازند. از آنجا که مراسم عزاداری عمدتاً از جوانان تشکیل شده می توان از این جلسات برای آشنایی آنان با دین و عترت استفاده نمود. در مورد هدایت و تربیت نسل جوان، دو نکته شایان ذکر است؛ یکی مسأله مربی و دیگر محیط. اگر این دو زمینه